info@payamdaily.ir
پیام
نخستین روزنامه صبح البرز
شماره ۲۵۹۸
شنبه / ۱۷ شهریور / ۱۴۰۳
۳ / ربیع الاول / ۱۴۴۶
7 / September / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۳۴۳ -۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۱۷۹

امروز با حافظ

جانا کدام سنگدلِ بی‌کفایت است
کاو پیشِ زخمِ تیغِ تو جان را سپر نکرد؟
کِلکِ زبان‌بریده حافظ در اَنجمن
با کس نگفت رازِ تو تا تَرکِ سر نکرد

کوهکن تیشه چو بر کوه زند آن چه صداست
آهن و سنگ ز درد دل او ناله کند

جامی

افق کرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۶	۰۵:۴۳	۱۲:۰۴	۱۸:۲۳	۱۸:۴۱

برگه

باور کنید زندگی ارزش زیستن و ادامه‌دادن را دارد؛ این باور به خلق حقایق کمک خواهد کرد...

ویلیام‌جیمز

اشاره

عکس‌هایی از کودکی با چاشنی طنز و خیالپردازی؛

۴۰ میلیون بازدید برای یک توئیت چقدر می‌ارزد؟

ماجرای بازدید نزدیک به ۴۰ میلیونی و رکوردشکنیِ کامنت یک کاربر ناشناس در توئیتر فارسی این روزها خبر ساز شده؛ کامنتی که نوستالژی خاطرات کودکی ایرانیان را با چاشنی طنز و خیالپردازی برانگیخت و حال به گفته این کاربر مشتریانی نیز برای خرید حساب کاربری او پیدا شده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تورنیوز، در روزهای اخیر توئیت کاربری کم مخاطب و با نام مستعار در توئیتر فارسی به شدت مورد توجه قرار گرفته و موفق شده با شکستن رکوردها به پربازدیدترین توئیت و کامنت در تاریخ توئیتر فارسی بدل شود. این توئیت در واقع کامنت این کاربر شبکه اجتماعی ایکس در پای توئیت شخص دیگری است که با حدود ۲۵۰۰ دنبال‌کننده، صفحه کم مخاطبی نیز به شمار می‌رود اما تا کنون بیش از ۳۹ میلیون بار دیده شده است. یکی از مهمترین دلایل پربازدید شدن این توئیت به میزان بالای کوت‌های آن بازمی‌گردد؛ بسیاری از کاربران توئیتر پای این کامنت تصاویری از کودکی خود که شاید بیشتر به دهه ۶۰ و یا پیشتر از آن بازمی‌گردد را بازنشر کرده و با چاشنی طنز و خیالپزدازی از خاطرات دوران کودکی خود، محتوای این توئیت را به چالش کشیده‌اند.

نکته قابل توجه این است که این کامنت تا کنون نزدیک به ۱۴۶ هزار کوت داشته است این در حالی است که میزان لایک‌های آن کمتر از ۲ هزار لایک است اما به نوشته بسیاری از کاربران در پای همین کامنت انقلاب و رکوردی جدید در توئیتر فارسی خلق کرده است و حتی به نوشته این کاربر که در توئیت‌های بعدی او آمده است مشتریان خوبی برای اکانتش نیز پیدا شده است.

ماجرای پربازدیدترین توئیت توئیتر فارسی چیست؟

ماجرا از این قرار است که کاربری ناشناس به نام «جاردینو» پای توئیت کاربری دیگر به نام «شبز» نوشته بود که «ایرانی بس کن! واقعا یه مسافرت چیز خاصی نیست همه تو بچگیشون حداقل یه اروپا رفتن»؛ این توئیت واکنش‌های بسیاری را برانگیخت و بسیاری از کاربران با کوت کردن آن عکس‌هایی از کودکی خود منتشر کردند و به نوعی این کامنت را به تمسخر گرفتند. اما این همه ماجرا نیست، این توئیت جریان خبری را شکل داد که به واکنش جامعه‌شناسان و رسانه‌ها نیز منجر شد.

از خیال تا واقعیت؛ ایرانیان چقدر به مسافرت خارجی می‌روند؟

محمدرضا جوادی یگانه جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران در صفحه شخصی خود بااستناد به یافته‌های «موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» آماری را در مورد سفرهای خارجی هموطنان منتشر کرد و نوشت: بر اساس این پیمایش که در سال ۱۳۹۴ منتشر شده بود، ۹۳ درصد ایرانیان تا آن زمان به هیچ سفر خارجی‌ای نرفته بودند. بیشترین تعداد سفرهای خارجی نیز متعلق به مردم استان‌های یزد (۱۸ درصد)، خوزستان (۱۵ درصد) و تهران (۱۴ درصد) بود. در مقابل، مردم استان‌های کرمانشاه (۶ دهم درصد)، سیستان و بلوچستان (۱.۵ درصد) و لرستان (۲.۴ درصد) کمترین تجربه سفر خارجی را داشتند.

این پیمایش اشاره‌ای به مقصد سفرهای خارجی ایرانیان نمی‌کرد اما جوادی‌یگانه در توئیت خود نوشته است که «قاعدتا» بیشتر آنها «زیارتی» بوده‌است.

همچنین موج چهارم این پیمایش در دیماه سال ۱۴۰۲ انجام شده است اما داده‌های آن به صورت کامل در اختیار رسانه‌ها قرار نگرده است. در عین حال، در مدت اخیر پژوهش‌هایی انجام شده است که حاوی آمار و اطلاعاتی از سفرهای ایرانیان است. برای مثال، پیمایش «سنجش سبک زندگی ایرانیان» نشان می‌دهد که ۳۴ درصد از ایرانیان در پنج سال گذشته حداقل پنج بار به سفر تفریحی [داخلی و خارجی] رفته‌اند و ۷۰.۳ درصد نیز هیچ سفر خارجی نداشته‌اند.

از اولویت شبکه‌های اجتماعی به اولویت رسانه‌های جمعی

از آمارها و ارقامی که به موجب این توئیت دوباره بازخوانی شدند بگذریم، این کامنت توئیتر موجب شد که موضوع موردتوجه رسانه‌های اجتماعی به اولویت رسانه‌های جمعی تبدیل شود که بار دیگر اهمیت کنش مردم عادی بر اولویت‌سازی در رسانه‌های جریان اصلی را نشان می‌دهد؛ تا جایی که تقریبا رسانه فارسی زبانی چه داخلی و چه خارجی نبود که به تیتر «۷۰ درصد ایرانی‌ها به سفر خارجی نرفته‌اند» نپردازد.

اگر روزی اساتید علوم ارتباطات از نظریه برجسته‌سازی سخن می‌گفتند و معتقد بودند که رسانه‌ها تاثیر شگرفی بر شناخت، نگرش و تعیین اولویت‌های ذهنی با بزرگ کردن بعضی از رویدادها دارند، امروز شاهد محکمی برای تاثیر عکس این جریان‌سازی خبری در کشورمان به وجود آمده است که البته تنها نمونه نیز نیست.

رکورد قبلی در دست که بود؟

نکته قابل توجه این است که تا پیش از این، رکورد پربازدیدترین توئیت در توئیتر فارسی در اختیار کاربری با آی‌دی «هرگسفی» بود که در توئیتی با ۱۷.۴ میلیون بازدید پرسیده بود: «بیشترین ارتباطتون با یه سلبریتی چی بوده؟»

اگرچه مشاهده تعداد بازدید توئیت‌ها از ابتدای دی‌ماه سال ۱۴۰۱ برای عموم کاربران ممکنه شده است و اطلاعاتی از بازدید توئیت‌های پیش از این تاریخ وجود ندارد، اما بعید بنظر می‌رسد که تا پیش از این هیچ توئیتی در توئیتر فارسی به این رکورد دست یافته باشد.

گزارش روز

نتانیاهو در دوراهی خودکشی یا مرگ

تشدید بحران‌های داخلی در اراضی اشغالی و بروز اعتصاب‌های گسترده و غیرقابل پیش‌بینی، بخش مهمی از پازل نهایی شکست صهیونیست‌ها در جنگ غزه را تشکیل می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، در این میان، اصرار نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس در خصوص تسلط بر محور فیلادلفیا و نتساریم، مذاکرات آتش‌بس را نیز به بن‌بست کشانده است. در چنین شرایطی حتی گالانت، وزیر جنگ صهیونیست‌ها نیز به نتانیاهو در خصوص استمرار این مطالبات غیرممکن هشدار داده است. کشته‌شدن شش اسیر صهیونیست در تونل‌های غزه، آن‌هم توسط بمب‌های رژیم اشغالگر، جایی برای مانور کابینه نتانیاهو در غزه باقی نگذاشته است. در چنین شرایطی نتانیاهو قاعدتا دو انتخاب بیشتر ندارد: مرگ قطعی یا خودکشی. گزینه سومی در این معادله پیچیده و خونین وجود ندارد. تل‌آویو به لحظه شکست رسمی و قطعی در نوار غزه نزدیک‌تر می‌شود.

فیلادلفیا یا اسرا؟!

در این میان، نتانیاهو کماکان اصرار دارد که صهیونیست‌ها باید در محور فیلادلفیا باقی‌مانده و از این طریق، بر رفح نیز سلطه مستقیمی داشته باشند. همچنین نخست‌وزیر رژیم اشغالگر که پایان جنگ را مترادف با پایان خود می‌داند، بر باقی‌ماندن در محور نتساریم (محوری که غزه را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند) اصرار می‌ورزد. در مقابل، حماس و جهاد اسلامی تاکید دارند که در همان مرحله نخست توافق احتمالی آتش‌بس، حتی یک سرباز صهیونیست نیز نباید در فیلادلفیا یا نتساریم حضور پیدا کند. خلیل الحیه، مسئول پرونده مذاکرات جنبش مقاومت اسلامی حماس صراحتا تاکید کرده است که برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی محور فیلادلفیا (صلاح‌الدین) مهم‌تر از اسراست و او اسرای اسرائیلی را قربانی می‌کند، زیرا اهمیتی برای آنها قائل نیست. طی ساعات اخیر، صهیونیست‌ها مدعی شده بودند در مرحله دوم توافق آتش‌بس، از محور فیلادلفیا خارج خواهند شد، اما حماس به سه دلیل با این پیشنهاد مخالفت کرده است:

نخست این‌که هیچ‌گونه تضمینی در خصوص موفقیت‌آمیز بودن مرحله اول آتش‌بس وجود ندارد. نباید فراموش کرد که طرف مقابل این توافق، آمریکا و رژیم اشغالگر هستند که یکی از خصوصیات ذاتی آنها نقض آتش‌بس و توافقاتی است که جهت کنترل بحران‌ها منعقد می‌شود.

دوم این‌که اگر رژیم اشغالگر اراده‌ای برای خروج از محور فیلادلفیا داشته باشد، باید قاعدتا در همان مرحله نخست، چنین اراده‌ای نمود پیدا کند.

سوم این‌که باقی‌ماندن صهیونیست‌ها در محور نتساریم و فیلادلفیا، مترادف با همان استمرار جنگ غزه (با شکل و شمایلی دیگر) خواهد بود، بنابراین توجیهی ندارد بدون خروج دشمن کودک‌کش و غاصب اسرائیلی از محورهای فیلادلفیا و نتساریم، حتی یک اسیر صهیونیست آزاد شود.

بحران در داخل اراضی اشغالی

بحران سرتاسر اراضی اشغالی را فراگرفته و از تل‌آویو گرفته تا حیفا، مخالفان نتانیاهو و کابینه جنگ به خیابان‌ها ریخته‌اند. نتانیاهو که وعده داده بود با نابودی کامل حماس و اشغال کامل نوار غزه، اسرای صهیونیست را به اراضی اشغالی بازمی‌گرداند، اکنون با شکست و بحران ترکیبی و همه‌جانبه‌ای مواجه شده که قدرت مدیریت آن را تحت هیچ شرایطی نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. نتانیاهو انعطاف و نرمش حماس را در خصوص تعداد اسرایی که قرار بود روزانه در چارچوب توافق مبادله اسرا آزاد شوند، نپذیرفت. حماس در ماه می گذشته پیشنهاد میانجی‌ها برای توافق آتش‌بس را پذیرفت اما پاسخ دشمن صهیونیستی حمله به رفح و اشغال گذرگاه رفح بود. فراتر از آن، صهیونیست‌ها شروط غیرقابل پذیرش دیگری (ازجمله استمرار حضور در محور فیلادلفیا را مطرح کرد) که به معنای استنکاف صهیونیست‌ها از آتش‌بس و اصرار آنها بر ادامه جنگ بود. به عبارتی گویاتر، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر مسئول کشته‌شدن شش اسیر صهیونیست در غزه است. نتانیاهو بر ماندن نیروهای اشغالگر در محور فیلادلفیا و نتساریم اصرار داشت و با آزادی شماری از اسرای فلسطینی سالخورده محکوم به حبس ابد مخالفت کرد.

بازی دوگانه کاخ سفید

دولت آمریکا در قبال تحولات کنونی، رویکردی پارادوکسیکال و متعارض در پیش گرفته است. بایدن همزمان با این‌که در مواضع ظاهری و اعلامی خود خواهان توافق است و اظهار خوشبینی می‌کند، از طرف دیگر فشاری بر رژیم اشغالگر وارد نمی‌کند. البته دلیل این مسأله مشخص است: واشنگتن در جنگ غزه و جنایات صورت گرفته، کاملا شریک عملیاتی و حامی صهیونیست‌ها بوده و شکست نهایی نتانیاهو در این معادله، به مثابه شکست آمریکا نیز تلقی می‌شود.

اکنون صورت‌مسأله مشخص است: بدون عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر اسرائیلی از محورهای فیلادلفیا و نتساریم، هیچ توافقی در کار نخواهد بود. علاوه‌برآن، آنچه در کرانه باختری اعم از قتل و کشتار، حمله و ویرانگری در جریان است، ثابت می‌کند که کابینه نتانیاهو به‌هیچ‌وجه موجودیت ملت فلسطین را به‌رسمیت نمی‌شناسد. اوضاع جاری نشانگر این است که سراسر کرانه باختری شعله‌ور خواهد شد و دولت نتانیاهو به‌دنبال به‌آتش‌کشیدن کل منطقه است. بااین‌حال، او متوجه فرجام این بازی خطرناک خود نیست. به‌زودی نتانیاهو به پیام‌آور و نماد درهم‌شکستن تل‌آویو در جنگ غزه تبدیل خواهد شد. به قول فرماندهان مقاومت فلسطین، هر روز که نتانیاهو در کابینه رژیم‌صهیونیستی باقی بماند، ممکن است تابوت یکی دیگر از اسرای صهیونیست به اراضی اشغالی بازگردد.

مکث

ماجرای کلاه‌های مخروطی مرموز در نقاشی‌های مصر باستان چیست؟

در بسیاری از نقاشی‌ها و مجسمه‌های مصر باستان مردان و زنانی دیده می‌شوند که کلاه‌های مخروطی‌شکل به اندازه یک «فنجان قهوه» را بالای سر خود بسته‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، در بسیاری از نقاشی‌ها و مجسمه‌های مصر باستان در بین سال‌های ۱۵۵۰ تا ۳۰ قبل از میلاد، مردان و زنانی دیده می‌شوند که کلاه‌های زینتی مخروطی‌شکلی به اندازه یک «فنجان قهوه» را بالای سر خود بسته‌اند.

نوع فعالیت‌هایی که مردم هنگام پوشیدن این کلاه‌ها انجام می‌دادند بسیار متفاوت بوده است. آنها در نقاشی‌ها و دیوارنگاره‌هایی با مضامین ضیافت‌های تدفین و شکار، نواختن موسیقی یا حتی زایمان به تصویر کشیده‌شده‌اند.

تا همین اواخر باستان‌شناسان این کلاه‌های سربند شکل را تنها در نقاشی‌ها دیده بودند و هرگز شواهدی فیزیکی از آنها در مقبره‌ها و اتاق‌های تدفین پیدانشده بود.

اما سرانجام در سال ۲۰۱۹ در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی دو مقبره در گورستان‌های «عمارنه» در شرق رود نیل، اسکلت‌هایی با مخروط‌هایی بر سر کشف شدند.

این یافته باستان‌شناسان ثابت می‌کرد که این لوازم جانبی چیزی بیش از نقوش سبکی ساده‌ای هستند که توسط نقاشان خلق شده‌اند.

تجزیه و تحلیل بقایای مواد نشان داد که مخروط‌ها از موم زنبور عسل ساخته شده‌اند و به نظر می‌رسد مالکان آنها هیچ یک از افراد ثروتمند نبوده‌اند. همچنین بقایای استخوانی نشان می‌داد که این افراد کارگر بوده و در زندگی سوءتغذیه را تجربه کرده‌اند.

باستان‌شناسان هنوز در مورد کارکرد واقعی این کلاه‌ها مطمئن نیستند. این فرضیه مطرح شده است که این کلاه‌ها از نوعی ماده معطر یا مومیایی (احتمالا از روغن، صمغ و چربی) ساخته می‌شدند که با بخار شدن آهسته آنها در اثر گرمای بدن رایحه‌ای مطبوع را از خود منتشر می‌کردند.

تصاویر مربوط به آن دوران، افرادی را نشان می‌دهد که آنها را روی کلاه‌گیس یا سرهای تراشیده می‌پوشند.

احتمال دیگر این است که مطابق باورهای سنتی این پوشش‌های سر به باروری کمک می‌کرده‌اند، زیرا در نقاشی‌هایی با «حاثور» الهه باروری در مصر باستان دیده می‌شوند. در تصاویر وی معمولاً یا گاو یا زنی با شاخ‌های گاو تصور می‌شده‌است.

اولین نقاشی‌های شناخته شده از این وسایل در صحنه‌های ضیافت یا تشییع جنازه در دوران سلطنت «حَتشِپسوت» دیده‌می‌شود.

وی پنجمین فرعون از دودمان هجدهم پادشاهی مصر باستان بود که برای ۲۲ سال مقام فرعون مصر را برعهده داشت. از دوران فرمانروایی او با عنوان عصر طلایی تاریخ مصر یاد می‌شود.

برش

تلگرام چگونه جنجالی ترین اپلیکیشن جهان شد؟

تلگرام با طرح و عملکردی مشابه واتس‌اپ، ویژگی‌های کلیدی حریم خصوصی مانند «چت‌های مخفی» یا رمزگذاری انتها به انتها و پیام‌های با قابلیت حذف خودکار را اضافه کرد، که به مخالفان و معترضان امکان می‌داد بدون ترس از پیگرد آزادانه ارتباط برقرار کنند. اما این امر کاربران شرور را نیز به خود جلب کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایتنا، زمانی که پاول دوروف در اوایل دهه ۲۰۱۰ تصمیم به ساخت اپلیکیشنی کاملا جدید گرفت هدف اصلی‌اش ایجاد پلتفرمی (platform، زیرساخت، بستر مجازی) بود که از کاربران در برابر رژیم‌های سرکوبگر از کاربران محافظت کند. دوروف که در سال ۱۹۸۴ در اتحاد جماهیر شوروی متولد شده است - همان سالی که رمان مشهور جورج اورول به همین نام منتشر شد - کاملا آگاه بود که چگونه می‌توان از آزادی ارتباطات برای برانداختن دولت‌های استبدادی استفاده کرد.

او در ۲۲ سالگی، وکُنتاکتِه یا وی‌کی (VKontakte, or VK) را ایجاد کرد که به‌سرعت به‌محبوب‌ترین سایت شبکه‌اجتماعی در کشورش تبدیل شد و توجه مقامات را به خود جلب کرد. دوروف زیر فشار برای بستن و افشای گروه‌های مخالفی که در این پلتفرم فعالیت می‌کردند، شرکت را رها کرد و از روسیه فرار کرد تا چیزی مقاوم‌تر در برابر نظارت دولتی ایجاد کند.

اپلیکیشن جدید تلگرام بود که بار دیگر باعث شد دوروف با مقام‌ها به مشکل بخورد. او در فرانسه در پی تحقیقاتی درباره سوءاستفاده جنسی از کودکان، فروش مواد مخدر و دیگر فعالیت‌های جنایی در این پلتفرم دستگیر شد. اما چگونه چنین حسن نیتی به چنین جنجالی منجر شد؟

تلگرام با طرح و عملکردی مشابه واتس‌اپ، ویژگی‌های کلیدی حریم خصوصی مانند «چت‌های مخفی» یا رمزگذاری انتها به انتها و پیام‌های با قابلیت حذف خودکار را اضافه کرد، که به مخالفان و معترضان امکان می‌داد بدون ترس از پیگرد آزادانه ارتباط برقرار کنند. اما این امر کاربران شرور را نیز به خود جلب کرد.

در سال ۲۰۱۵ تلگرام به پلتفرم اصلی ارتباطی دولت اسلامی (داعش) تبدیل شد که به این گروه تروریستی امکان می‌داد فعالیت‌هایشان را از طریق پیام‌های خصوصی هماهنگ کنند، و همچنین از طریق چت‌های گروهی بزرگ تبلیغاتشان (propaganda، پروپاگاندا) را نشر دهند و عضوگیری کنند. این گروه حتی کانال‌های پشتیبانی فنی در تلگرام راه‌اندازی کرد تا به اعضایش کمک کند از نظارت دور بمانند.

با گسترش خلافت داعش در عراق و سوریه، این گروه به‌دلیل گروگان‌گیری و سر بریدن کارگران امدادی و روزنامه‌نگاران معروف شد، و همچنین به‌دلیل انتشار ویدیوهایی که در کانال‌های تلگرامی آن‌ها به اشتراک گذاشته می‌شد. این امر فشارها را بر تلگرام برای بستن گروه‌ها و جلوگیری از استفاده اعضا و طرفداران داعش از این اپلیکیشن افزایش داد، اما دوروف بازهم مقاومت کرد.

این مدیر فناوری - که تا آن زمان در تبعید خودخواسته از روسیه زندگی می‌کرد - در سپتامبر ۲۰۱۵ در مصاحبه‌ای عمومی، که به‌ندرت رخ می‌دهد، از اقدام علیه داعش خودداری کرد. او گفت: «درنهایت، فکر می‌کنم که حریم خصوصی و حق ما برای حریم خصوصی مهم‌تر از ترس ما از وقوع اتفاقات بد مانند تروریسم است. این یک سری وقایع تراژیک است اما، درنهایت، داعشی‌ها همیشه راهی برای ارتباطشان با هم پیدا خواهند کرد. من فکر نمی‌کنم که باید بابت این موضوع احساس گناه کنیم. من هنوز فکر می‌کنم که ما کار درستی انجام می‌دهیم: محافظت از حریم خصوصی کاربرانمان».

دو ماه بعد، تروریست‌های داعش ۱۳۰ نفر را در یک سری حملات در پاریس کشتند، که دوروف را وادار به تغییر موضع کرد. تلگرام دهها کانال عمومی مرتبط با این گروه را بست و اقداماتی را برای نظارت و جلوگیری از فعالیت‌های مرتبط با تروریسم در این اپلیکیشن انجام داد.

رویکرد جدید از فعالیت‌های مجرمانه در این اپلیکیشن جلوگیری نکرد و در حالی که صنعت فناوری به طور گسترده‌تری با محتوای افراطی مقابله می‌کرد، کانال‌هایی که محتواهای راست‌گرای افراطی و تندرو منتشر می‌کردند امکان رشد پیدا کردند. تلگرام به پلتفرمی برای همه تبدیل شد، از نظریه‌پردازان توطئه «کیو انان» (QAnon) گرفته تا سازمان‌دهندگان و شرکت‌کنندگان در شورش‌های اخیر در بریتانیا. جنجال‌های پیرامون این اپلیکیشن جلو رشد آن را نگرفته است، به طوری که آخرین آماری که دوروف ارائه کرد، و تنها چند هفته پیش از دستگیری او منتشر شد، نشان می‌دهد که این اپلیکیشن به دستیابی به نزدیک به یک میلیارد کاربر فعال ماهانه نزدیک شده است.

اکثر قریب به اتفاق این کاربران فعالیت‌های مجرمانه ندارند - یا حتی به آن‌ها دسترسی ندارند - و بسیاری همچنان از آن برای هدفی که تلگرام به آن قصد طراحی شده استفاده می‌کنند. در حالی که این رژیم‌ها قادر به بستن این پلتفرم نیستند، در جاهایی مانند روسیه افراد همچنان می‌توانند سانسور شدید دولتی را دور بزنند

ست گورتز، دستیار سابق دادستان ایالات متحده در وزارت دادگستری که در دوران خدمتش با تلگرام سروکار داشت، می‌گوید: «این به‌وضوح یک مورد جالب در تلاقی آزادی بیان و نظارت دولتی است».

او افزود: «مشکل اینجاست که تلگرام واقعا یک استثنااست: «این اپلیکیشن یک وسیله ارتباطی بسیار ارزشمند را برای افرادی فراهم می‌کند که در [سایه] دولت‌های تجسس‌گر زندگی می‌کنند، اما به‌دلیل تعهدش به رمزگذاری، در میان سازمان‌های جنایی و حتی تروریستی [نیز] بسیار محبوب است».

تلگرام پس از دستگیری دوروف در پاریس در شنبه گذشته اعلام کرد که دوروف «چیزی برای پنهان کردن ندارد» و این شرکت «به قوانین اتحادیه اروپا، ازجمله قانون خدمات دیجیتال، پایبند است». این شرکت افزود که نظارت آن «در چارچوب استانداردهای این صنعت» است. انتظار می‌رود دوروف تا چهارشنبه آینده یا آزاد شود یا مقام‌های فرانسوی او را تفهیم اتهام کنند.

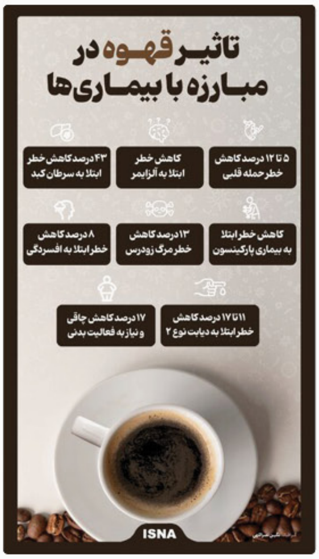
تاثیر قهوه در مبارزه با بیماری‌ها
۵ تا ۱۲ درصد کاهش خطر حمله قلبی
کاهش خطر ابتلا به آلزایمر
۴۳ درصد کاهش خطر ابتلا به سرطان کبد
کاهش خطر ابتلا به بیماری پارکینسون
۱۳ درصد کاهش خطر مرگ زودرس
۸ درصد کاهش خطر ابتلا به افسردگی
۱۱ تا ۱۷ درصد کاهش خطر ابتلا به دیابت نوع ۲
۱۷ درصد کاهش چاقی و نیاز به فعالیت بدنی
ISNA

دیدگاه

حفظ آبرو!

«این نکته بیش از هر زمان دیگری مسجل می شود که رژیم صهیونیستی در وضعیت کنونی، در شکننده ترین وضعیت خود است و صرفا با هیاهوهای تبلیغاتی سعی در حفظ آبرو دارد».

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، رژیم اشغالگر قدس، روزهایی بحرانی و مملو از تنش را تجربه می کند. به تازگی شاهد پیدا شدن اجساد ۶ اسیر صهیونیست در نوار غزه بودیم که در نتیجه بمباران‌های این منطقه توسط صهیونیست ها کشته شده اند. موضوعی که انفجاری از اعتراضات و اعتصابات را در عمق اراضی اشغالی علیه نتانیاهو و دولتش برانگیخته و افکار عمومی ساکن در فلسطین اشغالی تاکید دارند که دولت نتانیاهو باید هر چه سریعتر به جنگ غزه خاتمه دهد و به واسطه انعقاد یک توافق با حماس، زمینه را برای مبادله اسرا فراهم سازد.

در این چهارچوب، اعتراضات کم سابقه نیم میلیون نفری و همچنین اعتصابات گسترده کارکنان بخش های مختلف اقتصادِ صهیونیست ها را شاهد بوده ایم. مساله ای که به اذعان ژنرال اسرائیلیِ اسحاق بریک، رژیم صهیونیستی را به نقطه فلج شدن رسانده است. با این همه، در بحبوحه تشدید فشارها علیه دولت نتانیاهو، شاهد طرح دو استعفای معنادار در ارتش اسرائیل نیز بوده‌ایم.

ماجرا از این قرار است که تنها اندکی پس از عملیات اربعین حزب الله لبنان علیه سایت های نظامی و اطلاعاتی اسرائیلی، منابع مختلف عربی از به هلاکت رسیدن فرمانده یگان ۸۲۰۰ ارتش اسرائیل در نتیجه عملیات حزب الله خبر می دادند. اما وبگاه صهیونیستی واللا در خبری اعلام کرده که استعفای ژنرال یوسی ساریل فرمانده یگان ۸۲۰۰ ارتش اسرائیل حتمی است. همچنین، به تازگی، ژنرال تامیر یادائی فرمانده نیروی زمینی ارتش اسرائیل نیز از سِمت خود استعفا داده است. وی در طی سه سال اخیر فرمانده نیروی زمینی ارتش اسرائیل بوده است.

به نظر می رسد که میزان مخالفت ها با دستورکارهای نتانیاهو و افراطیون متحد وی در دولتش به ویژه در سازوکارهای نظامی صهیونیست ها، اوج گیری قابل توجهی داشته است. در حقیقت، با اوج گیری اعتراضات عمومی در فلسطین اشغالی علیه دولت نتانیاهو و رویکرد او در قالب جنگ غزه، شمار زیادی از مقام های ارشد نظامی صهیونیست ها نیز اقدام به طرح اعترضات خود علیه نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس می کنند و با استعفا، سعی دارند وی را وادار به پذیرش توافق آتش بس با حماس کنند.

رویکردی که پیش از جنگ غزه نیز از سوی کارکنان و مقام های دستگاه های اطلاعاتی و نظامی اسرائیل در پیش گرفته شده بود و در آن دوره هم اخبار مختلفی از همراهی آن ها با مخالفان نتانیاهو در تقابل با دستورکار نخست‌وزیر صهیونیست ها جهت تصویب لایحه اصلاحات قضایی در اراضی اشغالی منتشر شده بود.

وقتی استعفای دو مقام ارشد نظامی صهیونیست یعنی فرمانده یگان ۸۲۰۰ ارتش اسرائیل به عنوان مهمترین نهاد مرتبط با دستگاه جاسوسی صهیونیست ها را در کنار استعفای فرمانده نیروی زمینی ارتش این رژیم می گذاریم و اعتراضات و اعتصابات کم سابقه در اراضی اشغالی را نیز مشاهده می کنیم، این نکته بیش از هر زمان دیگری مسجل می شود که رژیم صهیونیستی در وضعیت کنونی، در شکننده ترین وضعیت خود است و صرفا با هیاهوهای تبلیغاتی سعی در حفظ آبرو دارد.

در این شرایط، نتانیاهو صرفا به فکر خود و بقای سیاسی‌اش است و شکافی عمیق میان ساکنان فلسطین اشغالی و دولت نتانیاهو ایجاد شده است. موضوعی که سناریوهای امیدوارکننده‌ای را برای صهیونیست‌ها در آینده نوید نمی‌دهد.

بیژن ایرانی